

قل كفى بالله شهيداً بيني وبينكم ومن عنده علم الكتاب

نجل الله رب الارباب على ما وفقنا الطبع الكتاب المستطاب من تصانيف قدوة العارفين خلة السالكين الجامع
بين علوم النقل والعقل المحرز نقصبات الفضل من فراق حين الاستدلال في تلاوة الآيات والسر خواجه ميله

المختص بالدين السمي
عالم الكتاب

بامر من هو مرآة الشباب في الاخلاق والاحساب ذي النسب العظيم طيب العرق والحليم لغيت المولاة العرضة
اجواد المنق سبيل الله الامير الامير الكبيرون الكبير السيد الخير نور الحسن زاد الله بالامن واليمان

طبع في المطبع الاصلية
الواقع في الدار

تحت ادارة المولى

محمد عبد الحليم

سنة ١٣١٠

شعبان

غرض از اسرار و این است تا بشود بر عالمیان منبسط میگردد پس کت محمدیه که خاتم برکات است و متضمن همه خیرات ناسخ تمام و بیان کننده مستغنی از جمیع طرق و سبل است
 و این باصراطی مستقیما فایده و لا متبوعا بسبیل فقری که بجهت سبیل دگر و حکم به ملک متقون اگر چه شریعت هر کس همانست که او را بر آن افزیده اند و او را به اختیار بر شریعت
 میرسد که بکار چنانکه شریعت و نه با جمل بعضی استعدادهای حسی دارند چون اهل امام و توانی که تحت حکم خود کسی را ندارند خود بطور خود عمل مینمایند و به مقتضای اختیار و بکار میکنند
 که از خیر نیات او نبندیشوند و اطاعت کلی دیگر میکنند سوا علیهم اند و هم ام لم تذکرهم الا یؤمنون و بعضی استعداد کلی دارند چون حضرت انبیا علیهم السلام که من
 جز نیات خود را تحت حکم خود نمیخواهند و از خود بر آن راسخ میروند و دیگران را هم نمی آرند و اینهمه شریعت الهی است که کل امت را حکم می نماید و سبک و
 بعضی استعداد معنی منفی دارند چون مجتهدان و اولیائے که حسب طریقه اند یعنی نه آن قوت دارند که دعوی کلیت کرده افراد خود را از افراد کلی دیگر ممتاز کنند و نه
 ضنفت که صرف بر ذات خود اکتفا کرده و یکسره را برادر نیارند و افراد میان کلی را که خود هم تحت او میروند ضمن خود شمرده داخل در صنف خود میکنند و جدا از صنف خود
 مینمایند یعنی استعداد کلی دارند و عین کلی خود اند پس این اظهار تفاضل در تدبیر چون لفظنا طلق و ان الله انزل علی محمد و الله الصلوة
 و السلام که هرگز چنان گیران طریق خود را ممتاز با همه جزئی خود کرده از شرک آنانی که خویش محمدی هستند و این است که خالص محمدیه نصیب ایشان است و بر تمام
 امت مشمول این برگزیدگان من کنت مولا و علی مولا و الحسن و الحسین سید شهاب اهل البیت آری محمدیه خالصه غیر از سادات ائمه ظهور نماید و سوا بی فایده
 که الفاظیه بضاعتی معنی واقع شده که باین اسرار رب کتاید اللهم النصر من نصر دین محمد و ان جندنا هم الفالوون و انهم لهم المنصورون -

تلخیص الایمان بآیات القرآن

مسبحان الله الذی افاض علی برکات القرآن بحسن قبوله و تفضل رسول الله و تفضل بآی و ان هذا هو الفضل المبین دعوت قوی الی طریق محمدی بآیات القرآن
 انکون حجی بجهت بانه چون الله الذی له الحمد بالانسانه یختص محمد بن لیسار من عباده و منین و قال بالاله الشافی افره سبب تجلی خدا و اکثایات فی کتابها
 و الله الی الناس ثم تولی عنهم بالتجلی بالانصار فانظر ما ذایه چون ایچون الی انکار او با توئی سبب **ایچون اندر عیش و کرامت قرین با خدا رسول و جعفر جلالک بالجمه**
 و الحق ضعیف لمن تنجک من المؤمنین فیا هذا الحجر انما الصول ایدنی ربی بآیة الروح الامین لا کون بصیرة تعالی و عتایة رسول علیه السلام من المندین و المشرین
 بلسان عربی سبین و انه اهدی و حجة للمؤمنین و انی توکلت علی الدربنی و فوضت امری الیه و الله یحب التوکلین و یحبهم من لیسار و یحبه الله من الخالصین
 و فضل من لیسار با کمال الطریقه المحمدیه و یحبه من انکسین و الحیرین فانظر و ایضا کان عاقبة الحیرین و قال لیس بالرافة الربانیة لا تحزن علیهم و لکن فی ضیق مما یرکون
 انما هم کما و انما یفارق و کما الله ان یدهم فی طعنایهم و اندخیر الماکرین و انست بهادی العی عن خلا لیسار الله التبع الامن یؤمن بآیاتنا فهم لم یؤمن فالذین یصدونک انما یؤمنون
 بآیاتنا و الذین یکنونک باجماله فاعلم ان الناس کما لو انما بآیاتنا لا یؤمنون انما یدنی ربی بآیة القرآنیة و المنکر و ان المؤمنین حتی اذا جاءوا فی الحشر و قال انما کما
 کذبتم بآیاتی و لم یحطوا بها علما و قد حق القول علیهم بما ظلموا فهم لا یستقون و الله علیم بالمفسدین و بشر الذین آمنوا بآیة و اختاروا المحمدیه الخالصه ان لهم جنات تجری
 من تحتها الانهار خالدهین فیها ابدا و الله لا یضیع اجر المحسنین باید و انست بآیة ختمه صلیت علی صاحبها الصلوة و الخیرة لیسار اول حق همه تعینات است و
 حاویست بر همه تعینات را بچنین شریعت محمدیه برتر از همه شریعت است و شامل بر جمیع شریعتها را و طریقه محمدیه خیر الطرق است و محیط بر همه فریق و جامع حکایه
 فیا هذا الحجر انما الصول قولوا انما الله ما نزل الیه و ما نزل الی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب لا سببا و ما داتی موسی و عیسی و ما داتی النبیون من
 ربهم لا یفارق منین و منین که سلیمان پس اگر دیگران را بچنین ایمان آرند و شرف جامعیه محمدیه پیدا کنند راه یا خنکانند و داخل محمدیان فانی شوند مثل ما
 انست به فقد استندوا و اگر ندانند استند ازین صراط مستقیم و اگر ان شوند و برام خلاف روند و فراقه باشد خود گرفتارند و راهی با خدا و اتفاق ندارند فانی قولوا
 فانما هم فی شقاق و باین محمدیان بیان مشافی است و حمایت حق ایشان را کافی نیست بیکدیگر و الله و صلیت علیهم و این رنگ جامعیه از رنگ انبیا است